

آلودگی برای ریاکاری، تظاهر و نفاق در صف نماز می ایستادند.

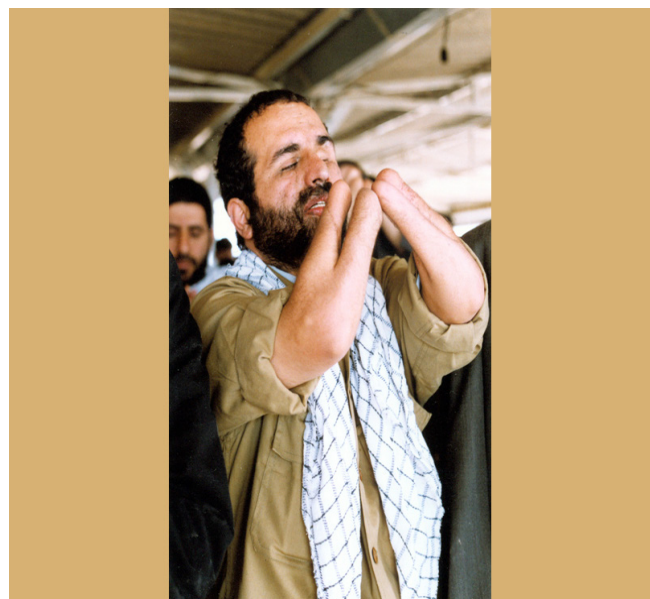
در مکروهات نماز می خوانیم که به هنگام نماز به آسمان نگاه نکنید یا در موقع حصر و فشار بول و غایط به نماز نایستید. لباس و یا حتی جوراب تنگ نپوشید. مقابل انسان دیگری نایستید، مقابل دری که باز است و یا معابری که رفت و آمد می شود و یا مقابل عکس، مجسمه و مشابه آنها، به نماز نایستید. اینها همه از موارد مکروه در نماز است که ذهن و فکر انسان را از یاد خدا غافل می کند؛ و یا به هنگام نماز با ریش، مو و دست خود بازی نکنید. خلاصه هر چیزی که منافی توجه و حضور قلب و خشوع دل در نماز است، مکروه شمرده شده است؛ چون در ادامه روایتی که این موارد را برمی شمرد و بر اساس آن فتوای داده می شود آمده است که: با هر یک از این موارد یک نقصی در نماز ایجاد می شود و آنچه که موجب نقصان در نماز است مکروه است.

بعد از این سخن نوبت طهارت می رسد. طهارت؛ شستن دست، مضمضه و استنشاق است که برای هر یک ادعیه منصوص وجود دارد؛ مثلاً به هنگام شستن دست ها بگوید: بسم الله و بالله و الحمد لله الذی جعل الماء طهوراً و لم یجعل نجساً. و به هنگام مضمضه بگوید: اللهم لئنی حجّتی یوم اءلقاک و اءطلق لسانی بذكرک . به هنگام استنشاق بگوید: اللهم لا تحرم علیّ ریح الجنّة و اجعلنی ممن یشمّ ریحها و روحها و طیبها. استنشاق و استشمام رواج، نسیم حدیقه اوست .

بعد نوبت شستن صورت و دو دست است که هنگام شستن صورت بگوید: اللهم بیض وجهی یوم تسودّ فیهِ الوجوه و لا تسودّ وجهی یوم تبيض فیهِ الوجوه . هنگام شستن دست راست بگوید: اللهم اعطنی کتابی الیمینی و الخلد فی الجنان بیساری و حاسینی حسابا یسیرا. هنگام شستن دست چپ بگوید: اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی و لا تجعلها مغلوله الی عنقی و اءعوذ بک من مقطعات النیران . و بعد هنگام مسح سر بگوید: اللهم غشّنی برحمتک و برکاتک و عفوک . و هنگام مسح پا بگوید: اللهم ثبّتنی علی الصراط یوم تنزل فیهِ الاقدام واجعل سعیی فیهِ یرضیک عنی . ائمه طاهرین علیهم السلام با اولیای الهی وقتی وضو می گرفتند، رنگ چهره مبارکشان دگرگون می شد و در حقیقت چون این امور از مقدمات ورود به محضر محبوب است، هر کسی که این احساس را داشته باشد باید رنگش دگرگون شود. تعبیر رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم درباره وضو این است که کسی که با این خصوصیات و با توجه به آنچه برای مقدمه این مهمانی گفته شد، وضو بگیرد و نماز بخواند و در آن نماز هم خشوع داشته باشد، بعد از نماز، مانند کسی است که تازه از مادر متولد شده است و هیچ گناهی در پرونده او نیست . در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: وضو نور است و وضوی بعد از وضو نور علی نور است، اگر کسی وضو را تجدید کند، مثل این است که خداوند بدون استغفار، گناه او را بخشیده باشد.

* برای مطالعه بیشتر به سایت آوینی مراجعه شود .

منی و خواب و بیداری من برای تو است . خدایا! با آنچه که چشم مرا روشن می کند، فقط دیدار توست ، آنچه آرزوی قلبی من است وصل و لقای تو است . خدایا! آنچه که مسالت دارم و نهایت آرزوی من است ، قرار گرفتن در جوار قرب تو است ؛ و فقط گفتگو با تو به من آرامش می دهد. دواي همه دردهای من نزد تو است . شفا و آرامش طعیان عطش من نزد تو است ؛ و آنچه که سوز دل مرا آرام می کند، نزد تو است ؛ آنچه که می تواند مصائب مرا درمان کند نزد تو است . حضرت در ادامه می فرماید: خدایا! پیوند میان من و خود را قطع کن . خدایا! تو مرا از خود مران که همه فردوس و رضوان من ، و همه دنیا و آخرت من فقط تویی . به تعبیر سیدالشهداء علیه السلام ، گاه بنده به مرتبه ای می رسد که می گوید: خدایا! تو دل های دوستان خود را به نور محبت منور کردی تا تو را شناختند. خدایا! این تو بودی که اغیار را از دلها بردی تا جز تو کسی را دوست نداشته باشند و به غیر تو پناه نبرند. حضرت علیه السلام ادامه می دهند: تویی مونس آنان ، آن جا که از عوالم هستی هراسانند و تویی راهنمای آنان ، آنجا که نشانه های تو در برابرشان پیدا شود آن کسی که تو را نیافت چه به دست آورده ؟ و آن که تو را یافت چه از دست داده است ؟ آن که تو را رها کرد و به غیر تو دست یازید، تهی دست است ، و آن که از درگاه تو کوچ کرد، در زیان است . گفته شد که از شرایط اساسی قبول نماز و عبادت ، حضور و خشوع قلب است ؛ و راه های تحصیل خشوع قلب و توجه دل را در حد این گفتار بیان کردیم . از رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم نقل شده که فرمودند: خداوند متعال به بنده ای که نماز می خواند، اما قلبش بدن او را همراهی نمی کند نظر نمی کند. جسم در حال نماز است ، اما قلب جای دیگری است ؛ مقابل قبله ایستاده



حمد و سوره می خواند، اما دل در عوالمی دیگر سیر می کند . این نماز، نماز با خشوع دل و حضور نیست و در نتیجه این نماز مقبول نیست . نماز گزار باید آنچه را که برای حضور قلب و خشوع دل لازم است ، فراهم کند و از هر چیز که موجب اشتغال فکری او به سمت و سوی دیگری جز خدا است ، دوری کند. این کار برای مومنان سهل است ؛ چرا که در رساله های عملیه از چیزی که انسان را از فکر خدا و یاد خدا غافل می کند، به عنوان مکروه یاد شده است . نماز در حال خواب آلودگی کراهت دارد. و اذا قاموا الی الصلاة قاموا کسالی یراؤن الناس و لا یذکرون الله الا قليلا. منافقان چون به نماز ایستند با حال بی میلی (و کسالت و برای ریاکاری) نماز خوانند و جز اندکی ذکر خدا را (آن هم به قصد ریا) نکنند. این از اوصاف منافقان است که به زحمت خواب را رها می کردند و با خواب



گفت‌وگو با دو کشیش

شخصیت پیامبر اسلام (ص) مرا مسلمان کرد

به مناسبت سال نو میلادی سخنان دو کشیش که یکی مسلمان شده و دیگری از مشترکات اسلام و مسیحیت می‌گوید:

از ابتدا می‌خواستم کشیش شوم. با خاله و دایی ام تاریخ و اعتقادات کلیسا را مطالعه می‌کردم. خواهان این شدم که زندگی ام را وقف تبلیغ مسیحیت کنم. خودتان را معرفی کنید: من کری تیلر هستم. ۲۷ ساله‌ام از یک خانواده ۵ نفری با دو خواهر از آمریکا، شهر فینیکس می‌باشم.

شرایط زندگی در آمریکا سخت است؟ برای من سخت است، زیرا در آنجا غیر بومی‌ها را خوب نمی‌پذیرند. بعضی افرادی که والدینشان از دو طایفه است خیلی سختی می‌کشند، همچنین مشروبات الکلی من را اذیت می‌کند، چون مذهبی بودم.

چه طور یک جوان در محیط آزاد، مذهبی بوده؟ از ابتدا می‌خواستم کشیش شوم. با خاله و دایی ام تاریخ و اعتقادات کلیسا را مطالعه می‌کردم. خواهان این شدم که زندگی ام را وقف تبلیغ مسیحیت کنم تا به خودم و جامعه ام کمک کنم. به نظر من مردم در آمریکا خدا را از دست داده‌اند. مسائلی مثل مواد مخدر و الکل خیلی زیاد است. من می‌خواستم خودم را وقف کنم تا با خدا رابطه بهتری پیدا کنم. به همین خاطر شروع کردم به مطالعه تاریخ کلیسا. یک روز واقعا از خدا خواستم که راه درست را نشانم دهد و در حال خواندن انجیل بودم که به این جمله رسیدم: اگر راستی را بدانید، راستی شما را آزاد خواهد کرد. سوال من یافتن این حقیقت به صورت کامل بود. از ته دل از خدا خواستم که راه را به من نشان دهد.

بعد از مدتی تحقیق به شخصیت پیامبر اعظم (ص) رسیدم. انگار که جهانی کاملاً جدید به من نشان داده شد، شخصیت ایشان خیلی معرکه بود از جمله آن قضیه خاکستر که هر روز روی سر ایشان می‌ریختند. خیلی مهربان بودند در حالی که در همان لحظه در خدمت مردم بودند.

مهربانی درباره حضرت مسیح (ع) هم هست چرا جذب ایشان نشدید؟ اگر به آموزه‌های عیسی توجه کنید ایشان می‌گوید: منتظر کسی باشید که در راه است. شخصیت دیگری که مهربانی و رابطه با خدا را به شما و جهان آموزش خواهد داد، کسی که رهابخش جهانیان خواهد بود. کسی که صادق است و کلماتی را می‌گوید که از سمت خداوند است.

بین شخصیت‌های جهان اسلام چه کسی را بیشتر دوست دارید؟ امام حسین (ع) و امام رضا (ع) برای من بهترین هستند، در مسائل اجتماعی نیز مقام معظم رهبری و آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن زاده آملی را دوست دارم. من بعضی از کتاب‌های آنها را خوانده‌ام، مثل توحید از مقام معظم رهبری و ولایت از آقای جوادی آملی، از آقای حسن زاده آملی نیز مقالاتی خوانده‌ام.

از لحظه گفتن شهادتین بگوئید، من در مسجدی در فینیکس شهادتین را گفتم. قبل از پذیرش سردرگم بودم و احساس می‌کردم وزن جهان روی دوش من است، دنبال کمک خداوند و یاری‌رسانی ایشان بودم، وقتی فهمیدم این راه درست است به خدا گفتم، تو من را از خودم بهتر می‌شناسی و بهتر می‌دانی به چه سمتی برم و من تسلیم تو هستم، سپس گفتم: اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا حُجَّةُ اللَّهِ.



خدا» که شیعیان به امام حسین نسبت می دهند. توسل در بین مسیحیان وجود دارد و وقتی یک مسیحی می خواهد توسل کند می خواهد به الوهیت خدا نزدیک شود. همچنین ما معتقدیم افرادی که در این دنیا خوب زندگی کرده اند و افراد نیکوکاری بوده اند می توانند ما را شفاعت کنند و افراد مقرب الهی می توانند برای ما دعا کنند. هر چه قدر افراد به خدا نزدیک تر باشند دایره شفاعت آنها گسترده تر می شود. برخی از این افراد در جامعه به قداست و نیکوکاری معروف هستند و برخی هم ناشناخته اند ولی می توانند شفاعت کنند. من مسلمان و شیعه نیستم ولی وقتی در کربلا و یا قم و مشهد بودم و در حرم ائمه رفته این احساس را داشتم که ائمه می توانند شفاعت کنند. امام حسین با فدا کردن جان خود به دیگران به ما درس آموخت. در واقع وقتی که ما برای عیسی و شما برای امام حسین بزرگداشت برگزار می کنید برای تحقق توسل است. توسل یکی از بهترین هدایا و الطاف خداوند است.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضائی رئیس اتحادیه اروپایی علما و تئولوگ های شیعه هم در این نشست به تشریح دیدگاه شیعه در رابطه با «توسل» پرداخته و افزود: نظامی که در قرآن برای این جهان معرفی شده است یک نظام توحیدی است. یعنی نظام از او و به سوی اوست. «انا لله و انا الیه راجعون» این مطلب باید خودش را در مقام عمل نیز نشان دهد. بسیاری از آیات قرآن کریم نیز همین امر را آموزش می دهند. «انما الیهکم اله واحد». بنابر این ما معتقدیم در بحث توسل اشخاص بالاستقلال کاری نمی توانند انجام دهند و در نظام توحیدی تنها کسی که به طور مستقل می تواند عمل کند خداوند است. لذا اینکه می گوئیم مثلا کسی مرده ای را زنده کرده است به اذن خداوند بوده است و یا اگر به اولیای الهی توسل می جوئیم در واقع آن را شفیع قرار می دهیم. توسل یک معنای عام دارد و منظور هر چیزی که بتواند انسان را به خدا نزدیک کند می باشد. یک نوع توسل به اعمال صالحه مربوط است مانند دعا، نماز، روزه و □ که این اعمال را برای تقرب وسیله قرار می دهیم. نوع دیگر توسل این است که اشخاص و مقربان درگاه الهی را وسیله و شفیع قرار می دهیم.

یکی از نکات مشترک بین ادیان همین توسل است. به عنوان مثال ما معتقدیم که پیامبران الهی مانند حضرت عیسی علیه السلام را هم می توانیم وسیله قرار دهیم. اولیای الهی می توانند وسیله ارتباط و اتصال شوند و حتی واسطه ترفیع درجه انسانها شوند.

سوالی که مطرح می شود این است که آیا انسان باید حتما از طریق وسیله با خداوند ارتباط برقرار کند یا خودش هم می تواند مستقلا ارتباط برقرار نماید؟ در پاسخ باید گفت با توجه به آموزه های قرآن کریم انسان می تواند به طور مستقیم نیز با خداوند ارتباط برقرار نماید. «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»

ولی خدا چند نقش دارد و یکی از نقش های ولی این است که کمک کند که گناهان بخشیده شود. انسان وقتی می خواهد به جایگاه خلافت برسد می تواند از ولی خدا استفاده کند. از نظر شیعیان زنده و مرده بودن ولی خدا فرقی نمی کند و مربوط به روح است و روح همیشه زنده و ابدی است. مانند ایمان و کفر که به زنده و مرده بودن افراد تعلق ندارد و به روح آنها تعلق دارد.

ما در قبور ائمه عبادت می کنیم ولی هیچگاه ائمه را سجده نمی کنیم؛ چون سجده نشانه عبادت است و عبادت مخصوص خدای سبحان است. لذا هیچ کدام توسل مغایرت با نظام توحیدی ندارد.

خداوند بواسطه لطف بی کران و عنایاتش به بندگان حتی در جهان آخرت هم بستری را فراهم می کند که برخی بتوانند از شفاعت استفاده کنند.

* برای مطالعه بیشتر به سایت رهیافته مراجعه شود.



در بخش دوم سخنان پروفیسور دکتر لهوگو را بازنشر می دهیم که تعبیر جالبی از فرهنگ غنی شیعه داشته است.

دکتر لهوگو، اسلام شناس، رئیس حوزه علمیه کشیش های کاتولیک فرانسه و رئیس علمی بخش کاتولیک دانشگاه سوربن فرانسه در نشست نشست علمی اساتید آکادمی اسلامی آلمان و دانشگاه سوربن از مکتب شیعه به عنوان یک فرهنگ غنی که می تواند در مقابل فرقه وهابیت، اسلام ناب را معرفی کند یاد نمود.

وی افزود: فعالیت های آکادمی و جلسات دیالوگ فرصت بسیار خوبی برای معرفی مکتب شیعه در اروپا و آلمان می باشد. من حدود پنج سال است که در رابطه با فرهنگ شیعه تحقیقات می کنم و به چند شهر بزرگ مانند مشهد، قم و کربلا که برای شیعیان از اهمیت ویژه ای برخوردار است نیز مسافرت کرده ام تا از نزدیک با این فرهنگ آشنا شوم. امروزه بسیاری از مردم فرهنگ غنی شیعه را نمی شناسند و نمی دانند که این فرهنگ غنی می تواند اسلام ناب را به جامعه معرفی کند.

لهوگو اظهار داشت: جامعه امروزی بیش از هر زمانی به جلسات دیالوگ نیازمند است و بسیار مهم است که دین از زبان متخصصان دین بیان شود. به همین منظور ما در دانشگاه سوربون از آقای جازاری برای تدریس فقه اسلامی دعوت کردیم همچنین از علمای اهل تسنن نیز برای تدریس استفاده می کنیم. هدف از گفتگوی بین ادیان این نیست که ما همه چیز را مخلوط کنیم تا یک دین واحد درست کنیم. این تفاوتها حکمتی داشته است. ما در عین حالیکه وظیفه عبودیتی داریم وظیفه برقراری صلح و آرامش در جامعه را نیز داریم. این حدیث را قطعاً شما بهتر از من می شناسید که می گویند مؤمن کسی است که هر چه برای خود می پسندد برای برادر خود هم بیسندد. نگاه ما در دیالوگ با پیروان سایر ادیان باید نگاه مثبت باشد. باید پذیرفت که در ادیان دیگر هم نکات مثبت وجود دارد. طبیعتاً خداوند به هر دینی ویژگیهای خاصی را عطا کرده است. تفاوتها را باید پذیرفت اما باید بدانیم که هر دینی غنایی دارد که می تواند به ما هم کمک کند. در بین ادیان ابراهیمی اشتراکاتی وجود دارد که می تواند آنها را به یکدیگر نزدیک کند.

دکتر لهوگو به «توسل از دیدگاه مسیحیت» پرداخت و اظهار داشت: ما مسیحیان در رابطه با عیسی (ع) واژه پسر خدا را به کار می بریم. چنانچه خداوند در قرآن نیز در سوره اخلاص می گوید «نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است.» باید بگوئیم این واژه در بین مسیحیان یک استعاره است و به این معنا نیست که عیسی پسر خلق شده خداست؛ بلکه چیزی است مانند واژه «خون



پرسی و پاسخ

فرقه وهابیت چگونه پایه‌گذاری شد؟ (۳)

می‌دانند و می‌گویند: «جایز است برای مسلمان که با زن یهودی یا نصرانی ازدواج کند در صورتی که محصنه بوده و آزاد و عفیف باشد».

- اختلاف نظرهای وهابیت و اهل سنت؛

۱. به اعتقاد وهابیان هرگاه کسی شهادتین را بر زبان جاری کند، ولی بدان عمل نکند ارزشی ندارد و چنین کسی کافر و مشرک است و خون و مال او حلال است. در مقابل مسلمانان همگی بالاتفاق معتقدند که هرکس شهادتین را بر زبان جاری کند مال و خونش محفوظ و محترم است.

۲. وهابیان به اصل اجتهاد آزاد معتقد هستند و تقلید از مذاهب چهارگانه را لازم نمی‌دانند، بلکه بر خلاف آن مذاهب اجتهاد می‌کنند.

۳. وهابی‌ها با استدلال به ظاهر برخی آیات و روایات، جسم و جهت برای خداوند اثبات کرده و به رویت حسی خداوند قائلند. در مقابل علمای اهل سنت، اعتقاد به تجسم خدا و رویت حسی خداوند را جایز نمی‌دانند.

۴. محمد ابن عبدالوهاب معتقد بود که تمام اعمال مسلمانان به حد شرک رسیده است و از این رو، وی مسلمانان سنی و شیعه‌ای را که دیدگاه‌های او را قبول نداشتند تکفیر می‌کرد؛ در صورتی که ائمه اهل سنت به ویژه ابوحنیفه، تکفیر اهل قبله را جایز نمی‌شمارند.

۵. وهابیان زیارت قبر انبیا و اولیا و سفر به قصد زیارت قبور آن بزرگواران را حرام می‌دانند، ولی مذاهب چهارگانه بالاترین ثواب را برای زیارت قبر نبی و مسافرت برای آن قائلند.

۶. سوگند دادن خداوند به حق مقام اولیا از نظر وهابی‌ها حرام و موجب شرک است، ولی حنفی‌ها و شافعی‌ها این امر را مکروه و نه حرام و شرک می‌دانند.

۷. وهابی‌ها نذر برای مردگان و اهل قبور و اولیا را شرک می‌دانند. در حالی که اهل سنت می‌گویند اگر نذر برای بت نباشد لازم الوفا است.

۸. توسل، شفاعت، تبرک جستن از پیامبر، استغاثه و طلب حاجت از پیامبران و اولیا و جشن گرفتن میلاد پیامبر اکرم از نظر وهابیت جایز نیست ولی اهل سنت همه اینها را جایز می‌دانند.

۹. وهابی‌ها ساخت بنا بر قبور را حرام ولی اهل سنت آن را مکروه می‌دانند.

-تاسیس فرقه وهابیت و وجه تسمیه آن: محمد ابن عبدالوهاب به همراه محمد ابن سعود از سال ۱۱۴۳ ه.ق مذهب تازه‌ای را تاسیس کرد. کلمه وهابی از نام پدر مؤسس فرقه وهابی یعنی عبدالوهاب گرفته شده است، اما خود وهابیان این نسبت را صحیح نمی‌دانند. سید محمود شکر آلوسی از طرفداران وهابیت می‌گوید: نسبت وهابی را دشمنان وهابی‌ها به ایشان اطلاق کرده‌اند. این نسبت صحیح نیست، بلکه باید به محمد که نام پیشوای ایشان است، نسبت داده شود و به آنان محمدیه بگویند. احمد امین، نویسنده معروف مصری، در این باره می‌گوید: محمد ابن عبدالوهاب و پیروانش خود را موحدین می‌نامیدند. خود وهابیان، فرقه وهابیت را مذهب تازه‌ای نمی‌دانند بلکه می‌گویند این مذهب، سلف صالح است و از این رو، خود را سلفیه می‌نامیدند. علت اینکه خود را سلفیه می‌نامیدند این بود که مدعی بودند در اعمال و افعال و معتقدات خود تابع سلف صالح یعنی اصحاب پیامبر اکرم و تابعین هستند.

- پیشگویی پیامبر از ظهور وهابیت: با مراجعه به روایات نبوی که در اصح کتب اهل سنت آمده پی می‌بریم که پیامبر اکرم (ص) از ظهور وهابیان در میان امت خود پیشگویی کرده است.

بخاری در صحیح خود از رسول خدا نقل کرده که فرمودند: «مردمانی از طرف مشرق زمین خروج کنند که قرآن می‌خوانند ولی از حنجره‌های آنان تجاوز نمی‌کند، آنها از دین خارج می‌شوند همانگونه که تیر از کمان خارج می‌گردد. نشانه آنان تراشیدن سر است»، قسطلانی می‌گوید: «مقصود از طرف مشرق جهت شرق مدینه همانند سرزمین نجد و مابعد آن است». می‌دانیم که نجد مرکز وهابیان و موطن اصلی آنان بود که از آنجا به دیگر شهرها منتشر شدند. همچنین تراشیدن موی سر و بلند گذاشتن ریش از شعارها و نشانه‌های آنان است.

برخی از اعتقادات این گروه ضاله که شباهت به خوارج نیز دارد عبارتند از: وهابیت درخواست شفاعت، استغاثه، توسل و نذر را برای غیر خدا جایز نمی‌دانند و آن را بدعت در دین قلمداد می‌مایند. همچنین وهابی‌ها با استدلال به آیاتی که درباره کافران و مشرکان وارد شده است، مومنان و مسلمانان را مشرک و کافر قلمداد می‌کنند. در حالی که طبق نص صریح قرآنی و روایی، مسلمین می‌توانند پیامبران و اولیای الهی را شفیع خود قرار دهند و به آنها متوسل شوند. دکتر عبدالملک سعدی می‌گوید: «هرگاه کسی بگوید: اللهم إني توصلت إليك بجاه نبي أو صالح؛ کسی نباید در جواز آن شک کند؛ زیرا جاه همان ذات کسی نیست که به او توسل شده، بلکه مکان و مرتبه او نزد خداوند است. این حاصل و خلاصه اعمال صالح او است. خداوند متعال در مورد حضرت موسی می‌فرماید: «و كان عند الله وجيها: و نزد خدا آبرومند بود...»

هیأت فتوای وهابیان می‌نویسد: «به ازدواج درآوردن دختران اهل سنت به فرزندان شیعه جایز نیست، و در صورت وقوع آن، نکاح باطل است؛ زیرا آنچه از شیعه معروف است این که آنان اهل بیت را صدا زده و به آنها استغاثه می‌کنند و این شرک اکبر است». این در حالی است که آنها ازدواج با اهل کتاب را جایز

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

دبیر ویژه‌نامه: زهره قدیمی

